

نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم شماره شانزدهم و هفدهم، بهار و تابستان ۷۸، ص ۱۳۱-۱۳۹

معرفی چند نسخه از مؤلفات

حکیم و فیلسوف بزرگوار صدر المتألهین شیرازی (ره)

دکتر سیداحمد تویسرکانی*

در شهریور ماه ۱۳۷۴ ضمن مقاله‌ای در مجله خردنامه صدرا، شماره دوم، از کهنترین نسخه موجود از کتاب شریف اسفار تألیف حکیم و فیلسوف بزرگوار محمدبن ابراهیم شیرازی، معروف به ملا صدرا - عطرالله مَضْجَعَه الشریف - یاد گردید. اکنون نیز به درخواست بعضی از دوستان از دیگر نسخ موجود نزد نگارنده از آثار آن حکیم بزرگوار، در این مقاله یاد و حضور شیفتگان و علاقه‌مندان معرفی می‌گردد؛ چه نسخ خطی گاه دارای خصوصیات و ویژگیهایی با ارزش است که آن را در دیگر نسخه‌ها نمی‌توان یافت و به این جهت است که همواره حفظ و حراست آنها مورد توجه و عنایت

صاحب‌نظران است:

۱- مجموعه‌ای است شامل تفسیر سوره‌های یس، الم سجدة، الحديد، الجمعة، الطارق، الأعلی، تفسیر فاتحه‌الکتاب از شیخ شمس‌الدین جونى، کتاب مشاعر، معانی الاسماء به زبان عربی، پاسخ سؤالات عالم فاضل ملاشمسای گیلانی معاصر با ملاصدرا، و رساله‌ای در بیان و شرح این شعر:

تقدیر به یک ناقه‌نشانده است دو محمل لیلای وجود تو و سلمای عدم را
نسخه‌ای است مصحح دارای حواشی و تعلیقاتی به خط حکیم متألّه، آخوند ملاعلی نوری متوفای ۱۲۴۶ هـ. ق - قدس سرّه - مدرس بزرگ فلسفه در اصفهان. کتاب مجموعه، جعفر بن محمد باقر حسینی است به سال ۱۱۱۹ که آن را با خط نستعلیق شکسته خوش به قطع ۲۴×۱۷ در ۳۳۶ صفحه نوشته و از حواشی مرحوم نوری بر سوره یس و الحديد در مجلد ۵ و ۶ تفسیر ملاصدرا از انتشارات بیدار قم استفاده شده.

۲- مجموعه‌ای شامل تفسیر سوره‌های واقعه و الطارق از مرحوم ملاصدرا که سوره اول نوشته جعفر بن محمد مهدی است به خط نسخ خوانا به سال ۱۲۱۹ هـ. ق، و دومی نوشته احمد نامی است به خط نستعلیق شکسته به سال ۱۲۷۷ و در این مجموعه رساله‌ای است در اثبات نبوت پیامبر ختمی مرتبت ﷺ از کتب یهود و نصاری که مؤلف آن در مقدمه از خود به نام عبدالله یاد کرده و رساله دیگری که قسمتی است از رساله تحفة الامین از عالم بزرگوار میرزا محمد اخباری مقتول به سال ۱۲۳۲ و یا ۱۲۳۳ هـ. ق در پاسخ سؤالات محمد امین خان همدانی.

کاتب دو رساله اخیر، عالم جلیل مرحوم آقامیرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی، متوفای ۱۳۱۹ است که آن را به سال ۱۲۷۷ هـ. ق نگاشته است.

۳- شرح اصول کافی: این شرح از آغاز اصول کافی شروع می‌شود و به شرح حدیث

اول از کتاب الحجة، باب «أَنَّ الاثمة عليهم السلام ولاة أمر الله و خَزَنَةُ علمه» پایان می‌پذیرد و مؤلف - علیه الرَّحمة - توفیق ادامه و اتمام آن را نیافته است. نسخه‌ای است مصحح و نفیس با نشانه‌های بلاغ و عناوین شنگرف، دارای ۸۱۳ صفحه، به قطع ۲۱×۱۶.

کاتب کتاب توحید، غیر از کاتب کتاب الحجة است و نام هیچیک از کاتبان و تاریخ کتابت آنها نیامده است. به نظر می‌رسد از آغاز تا اول کتاب الحجة به خط مولی ذوالفقار اصفهانی، از علمای سده یازدهم ه. ق اصفهان در علوم عقلی است و حواشی نیز از خود او می‌باشد (با توجه به نمونه خطی که از آن مرحوم رؤیت نموده‌ام).

قسمت اول کتاب توحید دارای حواشی بسیاری است به خط کاتب که ظاهراً از خود کاتب است و حکایت از این دارد که خود از فضلا و اهل معقول است و در چندین مورد هم ذیل نوشته خود آورده: م. ح. ق رحمه الله
بجاست که است یک مورد از آن حواشی که مضمون آن است از خود اوست، در اینجا ذکر گردد:

در ذیل شرح حدیث سوم از باب روح - که باب بیستم از کتاب التوحید است (۱) [اصول کافی ج ۱/۱۳۳] - در بیان کلمه «نفخت» مرحوم ملاصدرا می‌فرماید: و قد یکنی بالسبب عن النتيجة والأثر المترتب علیه کقوله تعالی غضب الله علیهم فاتقمنا منهم و صورة الغضب عبارة عن نوع تغیر فی نفس الغضبان یتأدی به و نتیجتاً اهلاک المغضوب علیه أو جرحه و ایلامه «فعبّر فی حقّ الله تعالی عن نتیجة الغضب بالغضب»
محشی آورده: قوله فعبّر عن نتیجة الغضب بالغضب

اقول هذا ليس مرضی الصدر و مختاره و مذهبه، بل صدر عنه علی سبیل الحکایة، و المختار المنصور عند اهل الحق، انّ لهذا الألفاظ اطلاقاً و استعمالاً، و یراد فی الكلّ اطلاق و استعمال معنی یناسبه، فالغضب فی الجسمانیات عبارة عن تغیر حالهم و انبعائهم و ثوران دمهم لأنهم ناقصون، و هذه الحالات من صفات الناقصین و خواصهم، و

أما الرُّوحانيّات فمَنْزَهون عن هذه الحالات، لأنهم كاملون فغضبهم عبارة عن عدم التفاتهم إلى المبعوضين و بمحض هذا هلك المبعوضون(۲) «فغضب الله تعالى قوماً» عبارة عن منع فيضه، و عدم توجّهه الخاصّ، بسبب كفرهم و تضييع فطرتهم التي فطر الله تعالى الناس عليها، لاعلى ما قيل أنّه عبارة عن معاملته تعالى مع المعضوبين معاملة المُبغضين، لأنّ هولاء القشريّين لاعرفان لهم ولايعرف خالقهم، بل لايعرف شيئاً إلاظواهر المحسوسات، فظنّوا أنّ للألفاظ إمّا معنى واحداً في الجميع، أو حقيقة في البعض و مجاز في البعض، و حرّفوا أكثر ألفاظ القرآن، بل كلّها عن مدلولاتها الأولى و معانى الحقيقية بدون سبب و داع إلاّعمى البصيرة؛ اللهمّ لاتجعلنا عن هذه الطائفة بحقّ محمدصلّى الله عليه و آله.(۳)

زاهد به بهشت، خان و مان می سازد عابد به عمل، به آن جهان می تازد
عارف به عمارت درون می نازد عاشق ز برای دوست جان می بازد

هستی به قیاس، نزد ارباب قیود جز عارض اعیان حقایق ننمود
لیکن به مکاشفات ارباب شهود اعیان همه عارضند و معروض وجود

از فرقت دوست، دیده ام پر خون شد هر چند ندیدمش، غمم افزون شد
از بس که فشاندم آتش از دیده برون شد اجزای وجودم به تمامی خون شد

گردید دل از جفای خصمان مجروح لیکن به جراحات شد ابواب فتوح
چندان بگداخت تن ز محنت، کآخر گردیده ز دیده ها نهان، همچون روح

جان نایب حق است و بدن هست جهان دل عرش وی است و صدر، کرسی می دان
روحش فلک و حواسش انجم می دان اسرار و معانی چو سروش یزدان

ای آنکه دمی زخویشتن فرد نه‌ای داری صد درد و صاحب درد نه‌ای
دایم پی لهو و لعب و خواب و خوری تو زایچه طفل عادتی مرد نه‌ای

۴- شرح کتاب التوحید اصول کافی

نسخه‌ای است به خط نسخ خوش، مصحح و دارای تعلیقات و حواشی بسیاری به خط حکیم الهی مرحوم ملاعلی نوری و در چند مورد تعلیقاتی به خط فرزند وی، مرحوم میرزا حسن نوری، جامع علوم معقول و منقول، چون در صفحات ۱۷۳ و ۳۲۲ با خط شکسته بسیار زیبا و در آخر نسخه آمده: «بلغ مقابله بالنسخة التي كتبت من خط المصنف قدس سره».

نام کاتب و تاریخ کتابت در آن نیامده، ولی از کاغذ و خصوصیات آن می‌نماید که متعلق به سده یازدهم است، دارای ۴۲۰ صفحه به قطع ۱۹×۲۶. در پشت صفحه اول عبارتی است منقول از شرح مطالع به خط آقامیرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی، و این اشعار نیز از مرحوم ملاعلی نوری آمده:

در دم همه لاله الاالله است فکرم همه، ذکر لاله الاالله است
محوست بسان لا در الا یعنی محو من و ما است لا والا صحو است

از دشمن و دوست می‌نجویم جز دوست اندر طلبش گذشتم از هر چه جز اوست

نوری بری از دانش نحو و صرف است وز نحوی و صرف و نحو او در محواست

پیدا چو نهان، نهان چو پیدا گردد سرّ لمن الملک هویدا گردد
دور من و ما، و ما و من طی گردد دوران همه، دور لا و الا گردد

در نکته محو و صحو گویا حرفی در پرده روز و شب به ایما زده‌اند

آخر غم عشق پرده در خواهد شد سیل غم دوست، رخنه‌گر خواهد شد
بر باد، نهاد این و آن خواهد رفت بنیاد دویی زیر و زیر خواهد شد

سر لمن الملك چو ... گردد (۴) معموره جهل و وهم، ویران گردد
محو شب و صحو روز، بی پرده شده الآن، و ما بعد کماکان گردد

۵- شرح کتاب الحجّة اصول کافی

نسخه‌ای است مصحّح و مقابله شده، با نشانه‌های بلاغ و عناوین شنگرف دارای تعلیقات و حواشی منقول از مرحوم آخوند ملاعلی نوری که ذیل آن آمده «نوری دام عزّه» و در بعضی موارد آمده «نوری سلّمه الله».

این نسخه در مجموعه‌ای است که در آغاز آن شرح حدیث غمامه است از قاضی سعید قمی (متوفای ۱۱۰۳ ه. ق). در پایان این رساله نام کاتب «ملاعلی یزدی» و تاریخ کتابت ربیع الثانی ۱۳۳۹ ه. ق ذکر شده. قطع مجموعه ۲۱×۱۵ است و در پشت صفحه نخست، این دو بیت از مرحوم آخوند ملاعلی نوری آمده:

نه همین روی بخاک در شاه آوردم با همه روسیهی رو به پناه آوردم
در برخاک در شاه که کان کرم است گرچه گاه است، ولی کوه گناه آوردم

۶- شرح الهدایة الأثیریه

با خط نسخ بسیار خوش در ۲۵۵ برگ، به قطع ۲۱×۱۵ نوشته به سال ۱۱۴۰ و دارای حواشی و تعلیقاتی است که ذیل بعضی از آنها آمده: «اللاستاد دام فضله» و در چند مورد

آمده: «از مولانا رجب علی الحکیم الکامل لمحزره صالح» و در چند جای دیگر آمده: «مولانا حمزه دام ظلّه العالی» نام کاتب نسخه نیامده است. در پایان کتاب در دو صفحه مطالبی در تشکیک و جعل آمده، و در آغاز آن چنین آمده: من الشیخ الفاضل المحقق «مولانا حمزه سلّمه الله تعالی و أبقاه فی تحقیق مبحث التشکیک» قطعا این رساله «رساله تشکیکیه» مولی حمزه گیلانی است که از تلامذه حکیم ملامحمد صادق اردستانی اصفهانی (متوفای ۱۱۳۴ ه. ق) می باشد، و هم از اوست رساله «حکمت صادقیه» (۵) که تقریرات درس استاد وی، حکیم اردستانی است و چنین به نظر می رسد که محشی «محمد صالح» از شاگردان مولی حمزه است.

۷- رساله مبدأ و معاد

کاتب عالم جلیل، آقامیرزا عبدالغفار حسینی نویسراکافی است که رساله را با خط نسخ خوش به قطع ۲۱×۱۲ در ۳۰۴ صفحه نگاشته است، و در صفحه ۵ حاشیه ای است منقول از «ملاعلی نوری» به خط کاتب.

۸- مجموعه ای است شامل رساله مشاعر و عرشیه و قسمتی از متشابهات القرآن مرحوم ملاصدرا (از آغاز تا پایان «الفصل الخامس» نوشته به سال ۱۲۱۹ ه. ق به خط میرسیدحسین بن عبدالغفور حسینی نویسراکافی، والد آقامیرزا عبدالغفار، به قطع ۱۶×۱۰ در ۲۶۳ صفحه.

پی نوشتها:

۱- عن محمد بن مسلم قال: سألت ابا عبد الله عن قول الله عز وجل «و نفخت فيه من روحی» کیف هذا النفخ، فقال: إن الروح متحرك كالريح وإنما سمي روحاً لأنه اشتق اسمه من الريح. وإنما أخرجه عن لفظه الريح لأن الأرواح مجانسة الريح وإنما أضافه إلى نفسه لأنه اصطفاه على سائر الأرواح، كما قال لبيت من البيوت: «بيتي»، ولرسول من الرسل: «خليلي»، و

اشباه ذلك، وکل ذلك مخلوق مصنوع محدث مربوط مدبر.

۲- ظاهراً به نظر می‌رسد این کلمه «المبغوضون» و کلمه قبل از آن «المبغوضین» می‌بایست «المغضوبون» و «المفضوبین» باشد، ولی با توجه به اینکه در معنی مآل آنها یکی است، محشی در عبارت تفنن به کار برده است.

۳- ترجمه عبارت مرحوم ملاصدرا در بیان و توضیح کلمه نفخت از حدیث مزبور فرموده:

«گاهی در گفتار و نوشتار سبب آورده می‌شود، ولی منظور از آن مسبب و یا به بیانی دیگر لازمه و نتیجه آن است؛ چنانکه در قرآن مجید آمده: «غضب الله علیهم» خداوند بر آنها غضب فرمود و در دیگر جای فرموده: «انتقمنا منهم» ما از آنها انتقام گرفتیم، و خشم پیدایش حالتی است که خشم گیرنده از آن رنج می‌برد و در نتیجه موجب هلاکت و نابودی یا اذیت و سرزنش شخص مورد خشم می‌گردد و خداوند علی‌البرتر از آن است که از اشیاء متأثر و منفعل شود پس در آیات مزبور، مقصود آن است که خداوند بر آنها عنایت و توجهی ندارد و خود با عمل ناهنجار خود از فیض و محبت او فاصله گرفته‌اند.

محشی می‌فرماید:

این بیان مرحوم ملاصدرا حکایت نظر دیگران است. او به لسان قوم سخن می‌گوید، نه آنچه خود معتقد است. اهل حق را عقیده چنان است که الفاظ و کلمات در همه موارد دارای یک معنی و مفهوم نیستند؛ آری غضب در عالم جسمانی، همان حالت انفعالی و اثرپذیری است که در اثر عمل و یا گفتار دیگری، حرکت و حرارت خون شدت می‌یابد و موجب رنج و ناراحتی شخص می‌گردد، ولی این کلمه آنگاه که در عالم مجردات به کار می‌رود، فاقد این معنی است؛ چه آنجا عالم کمال و فعلیت است، خون و رگ و جسمی نیست؛ پس منظور آن است چون این افراد فطرت پاک خویش را بیالودند و موجبات تباهی خویش را آماده ساختند، به اعمال و کردار خود از رحمت و فیض همگانی او

فاصله گرفتند. (انک تدعونی فأولئ عینک)

آنان که چنین می‌اندیشند که الفاظ دارای یک معنی خاص‌اند و در دیگر معانی اگر به کار روند، آنها معانی مجازی کلمه هستند، اینها از طبقه قشرین‌اند که خدای خود را به حق نشناخته‌اند و غرق در محسوسات و ظواهرند. از این‌رو، معانی کلمات الهی را ندانسته تحریف و جابه‌جا می‌کنند و به سعه و گسترش الفاظ الهی - که جهانی است نه مختص و ویژه جهان مادی - توجهی ندارند (وکلمة الله هی العلیا).

۴- به نظر می‌رسد کلمه افتاده «ظاهر» است.

۵- رساله حکمت صادقیه در صفحه ۵ جلد چهارم «منتخباتی از آثار حکمای الهی

ایران» به سال ۱۳۵۷ ه. ش به چاپ رسیده.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ما يكون من كون شدة الأثر في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك

Handwritten marginal notes in Arabic script, likely commentary or additional text related to the main text.

عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك
 عندهم الا انهم كلهم في طبعهم في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك ولا كذا في السارم والاداء من ذلك

سلكنا مقرا
 تروى في كتاب التوحيد باب ما رواه عن مولانا الصادق عليه السلام
 عن ابيه محمد بن علي عن ابيه علي بن الحسين عن ابيه الحسين بن علي
 عن ابيه علي بن ابي طالب عليه السلام قال قال رسول الله
 ان الله تبارك وتعالى نعمة وتسعين اليها ما من الا واحد من
 احصاها دخل الجنة وهم الله الواحد الاحد الصمد الاول
 التسع الصمد القدر القاهر على الاعلى الباقي السميع الباسم
 الاكبر الظاهر الباطن الحكيم العليم الخالق الحافظ الخبير
 الحسب الحمد المعنى الوهب الوهم الذائق اللذيق الوهاب الوهاب

روى في كتاب التوحيد باب ما رواه عن مولانا الصادق عليه السلام
 عن ابيه محمد بن علي عن ابيه علي بن الحسين عن ابيه الحسين بن علي
 عن ابيه علي بن ابي طالب عليه السلام قال قال رسول الله
 ان الله تبارك وتعالى نعمة وتسعين اليها ما من الا واحد من
 احصاها دخل الجنة وهم الله الواحد الاحد الصمد الاول
 التسع الصمد القدر القاهر على الاعلى الباقي السميع الباسم
 الاكبر الظاهر الباطن الحكيم العليم الخالق الحافظ الخبير
 الحسب الحمد المعنى الوهب الوهم الذائق اللذيق الوهاب الوهاب

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, continuing the commentary or providing additional references.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی